

روزنامه «کوکب ناصری»

نادر مرادی

زبان فارسی که زبان دوم جهان اسلام است، در شبه قاره هند به مدت طولانی زبان اول اسلام بوده است و می‌تواند یکی از بهترین رسانه‌های تمدن اسلامی در جهان باشد.

هندوستان آغازگر مطبوعات فارسی در جهان است. برای اولین بار روزنامه نگاری فارسی از هند شروع شد.

در سال ۱۸۱۰ روزنامه «هندوستان» یا «اخبار هندوستان» برای نخستین بار به زبان فارسی در کلکته منتشر شد. دومین آن «مرآت الاخبار» بود.

فارسی زبانان این کشور در صد و پنجاه سال پیش، ۶۵ عنوان نشریه فارسی را در ۱۰ شهر هند انتشار دادند که کلکته با ۲۸ عنوان در صدر است، پس از آن بمبئی با ۱۲ عنوان، دهلی ۶ عنوان، و حیدرآباد دکن با ۴ عنوان رتبه‌های بعدی را دارا هستند. فارسی نویسان مطبوعاتی در ۶ شهر دیگر هندوستان هر کدام یک عنوان روزنامه منتشر کردند. (همشهری ۳ خرداد ۱۳۸۶)

پیش از دوره استعمار انگلیس، برای هفتصد سال زبان فارسی زبان اداری هندوستان بود تا این که در سال ۱۸۳۶ میلادی چارلز ویلیامز زبان انگلیسی را به جای زبان فارسی رسمیت داد.

شیوع و رواج زبان فارسی در عصر صفویان و سده‌های پس از آن در هندوستان بیش از نواحی دیگر بود. انتشار زبان فارسی در سرزمین پهناور هند از وقتی شروع شد که دین اسلام به وسیله ایرانیان مشرق به آن کشور راه جست و سلسله‌های غزنوی و غوری و ممالک غوری در آن ملک مراکز معتبری برای ترویج زبان و ادب فارسی و تشویق شاعران و نویسندگان فارسی به وجود آوردند. حمله مغول به ایران و پناه بردن گروه بزرگی از شاعران و نویسندگان و دانشمندان ایران، ماوراءالنهر و خراسان به هندوستان رواج زبان پارسی را در آنجا قوت بخشید و از همین عهد است که گویندگان و نویسندگان مشهور در هندوستان ظهور کردند و به زبان فارسی به تدوین دیوان‌ها و دفترها پرداختند.

در دوره امپراطوری تیموری، هندوستان بر اثر توجه و علاقه وافر که ایشان اظهار می‌کردند و نیز در نتیجه اظهار علاقه امراء جز مسلمانان آن کشور که غالباً از سلاله‌های ایرانی بوده خاندان‌هایی که با فرهنگ و تمدن ایرانی آشنایی داشته‌اند و هم چنین بر اثر مهاجرت گروهی از ایرانیان به آن سرزمین زبان فارسی به درجه‌ای در هندوستان رخنه کرد و آن قدر شاعر و نویسنده و کتاب و غزل و قصیده و مثنوی فارسی در آن نقطه پهناور پدید آمد که گویی آن جا منشاء اصلی و واقعی زبان فارسی است.

کوکب ناصری

یکی از روزنامه‌های فارسی زبان در هندوستان که در بمبئی به چاپ می‌رسید «کوکب ناصری» بود. این روزنامه در چهار ورق - هشت صفحه - به اندازه A3 منتشر می‌شد. تاریخ اولین شماره انتشار آن به علت در دسترس نبودن معلوم نیست، اما شماره ۴ آن که اکنون موجود است به تاریخ ۲۱ جمادی الاخری سنه ۱۳۰۹ هجری قمری می‌باشد.

مؤلف کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران روزنامه «کوکب ناصری» را این گونه توصیف و شرح می‌دهد:

«روزنامه کوکب ناصری» در شهر بمبئی هندوستان به مدیریت «میرزا مصطفی شیخ الاسلام بهبهانی» تأسیس و در سال ۱۳۰۹ قمری مطابق ۹۲-۱۸۹۱ میلادی منتشر شده است. این روزنامه با چاپ سنگی و خط تعلیقی طبع گردید. و نمره سوم سال اول آن در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۸۹۲ میلادی انتشار یافته است.

براون در کتاب مطبوعات شعر فارسی (ص ۱۲۹) می‌نویسد:
من نمره ۴ و ۵ و ۶ و ۷ سال اول این روزنامه را دارم. هر نمره ۱۵ قران. در هندوستان و خلیج فارس و عربستان ۲۰ قران، در سایر شهرهای ایران و ترکیه و اروپا ۲۵ قران.

براون پس از شرح مذکور مدیر روزنامه را میرزا مصطفی و دکتر سیلوترا! (نام دکتر را با علامت تعجب نوشته است) و ناشر را مصطفی شیخ الاسلام بهبهانی معرفی کرده است (تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی، جلد چهارم ص ۱۵۱ - اصفهان انتشارات کمال).

روزنامه فقط در روزهای جمعه به چاپ می‌رسید. و بیشتر مطالب آن از تلگرافاتی بوده است که به روزنامه می‌شده، وقایع و اخبار را هم از طریق تلگراف به دست می‌آورده است. بیشتر اخبار در مورد کشورهای مختلف آسیا و اروپا و حتی آفریقا است. و صفحه‌ای هم مربوط به عزل و نصب‌های دولت شاهنشاهی ایران در دوره ناصری بوده، که در صفحه سوم روزنامه به چشم می‌خورد.

شرح آرم و شکل روزنامه «کوکب ناصری»

در بالای صفحه اول در وسط روزنامه دایره‌ای کوچک که شماره ۱ به شکل عدد انگلیسی در درون دایره نوشته نمایان است، که منظور سال اول روزنامه می‌باشد. در زیر این دایره کوچک نام روزنامه که به زبان انگلیسی و به شکل ربع دایره می‌باشد به چشم می‌خورد.

در زیر نام روزنامه تاج سلطنت و در زیر تاج ستاره‌ای پنج پر که در حال نور افشانی است به چشم می‌خورد که سلطنت را موهبت الهی دانسته و دست اندرکاران روزنامه نیز به آن اعتقاد دارند. و صاحبان امتیاز روزنامه دائم صحبت از عزل و نصب فرمان مولوکانه و برپایی جشن به مناسبت‌های مختلف که در دربار برگزار می‌شود صحبت می‌کنند.

و در زیر این شماره دو کلمه نسبتاً بزرگ که نام روزنامه به زبان فارسی و با خطی درشت «کوکب ناصری» که در اولین نگاه به روزنامه به چشم می‌خورد، به نظر می‌آید. و در سمت راست بالای روزنامه مستطیلی عمودی که قسمت بالای آن به شکل نیم دایره می‌باشد توضیحاتی درباره شماره روزنامه و اداره روزنامه و نام صاحبان

امتیاز که هم ایرانی و هندی هستند، و نام مسئولین داخلی و خارجی و مدیر و منشی را شرح و اسامی وکلای خود و محل آنان را که برای دریافت آبونه است به چاپ رسانده و در پایین آن توضیح می‌دهد که روزنامه فقط در روز جمعه به چاپ می‌رسد و تذکر می‌دهد که تلگرافات واصله و اخبار روزنامه‌های دیگر را اداره مسؤول نیست. و در آخر توصیه می‌کند، که هر نامه و مقاله سودمند مفید که از هر کس و هر کجا باشد را با کمال میل پذیرفته و در روزنامه درج می‌کنند. و در زیر تمامی این مطالب تاریخ چاپ شماره ۴ روزنامه به چشم می‌خورد. «روز جمعه ۲۱ جمادی الاخری سنه ۱۳۰۹ هجری» و در سمت چپ بالای روزنامه مسطیلی هم به شکل طرف مقابل دیده می‌شود. توضیحاتی از قبیل سال اول «قیمت اشتراک سالیانه در بمبئی و توابع و قیمت روزنامه در تمام هندوستان و بنادر ایران و عربستان و قیمت روزنامه در سایر کشورهایی که تحت حمایت ایران و قیمت روزنامه در اروپا نمایان است.

قیمت آگهی و سطر آن در یک مرتبه را شرح می‌دهد که اجرت پستی در همه جا به عهده اداره می‌باشد. و شرح دیگری که در داخل مستطیل شکل به چشم می‌خورد این است که هر کسی قبل از گرفتن روزنامه باید قیمت سالیانه آن را به وکلای مشخصی در هر منطقه بپردازد.

و هر کسی که خواهان آن نباشد باید فوری اطلاع دهد. توضیح دیگر این که کاغذهایی که پول پستی ندارد گرفته نمی‌شود. در پایین کادر در آخرین جمله‌ای که به چاپ رسیده تاریخ میلادی می‌باشد که مطابق با تاریخ هجری قمری در آن دوران است.

«مطابق ۲۲ جنوری سنه ۱۸۹۲ میلادی»

و در زیر این کادرها کادری افقی تقریباً به عرض روزنامه که به طرفداری از نظام سلطنت و سیاست روزنامه را در این جمله تقریباً بلند به تحریر در آورده است. جمله این گونه چاپ شده:

«بعون الهی و باقبال بی‌زوال اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه — ایران پناهی جلّ مدحته در این اخبارنامه از هر گونه حوادث و وقایع و سیاست مدرن و پولتیک دول و منافع عمومیه از علم و حکمت و تجارت و فلاح و صنایع و بدایع نوشته می‌شود. اوراقی که درج نشود صاحبش حق استرداد ندارد»

اما اولین مقاله روزنامه، مقاله‌ای سیاسی درباره کشور مصر — که در شاخ آفریقا واقع

شده است - می‌باشد. چون کشور مصر در نقطه سوق الجیشی‌ای از قاره آفریقا قرار دارد. که از یک طرف به دریای سرخ و از شمال به دریای مدیترانه و از همین راه آبی است که به اروپا وصل می‌شود و رود معروف نیل که از جنوبی‌ترین نقطه سودان شروع و از کشور سودان رد شده و از کشور مصر هم گذشته و به دریای مدیترانه می‌ریزد.

و از همه مهمتر وجود کانال معروف سوئز می‌باشد، که دریای سرخ را به دریای مدیترانه و اروپا وصل می‌کند.

به خاطر وجود این کانال چندین جنگ صورت گرفته و از همین آبراه سوئز است که کشتی‌ها خیلی سریع تر چه از نظر زمانی و بعد مسافت کالای تجارتي خود را از آسیا به اروپا حمل می‌کنند.

و به خاطر دلایل ذکر شده، این نقطه از آفریقا یعنی کشور مصر همیشه مورد کشمکش و انقلاب بین دول قدرتمند بوده و در آن دوران دولت انگلیس سعی بر سلطه و اقتدار خود بر این منطقه را داشته و همیشه مورد مذاکره بین امپراطوری عثمانی و کشورهای اروپایی و آسیایی بوده است.

اما از ظواهر مقاله این گونه پیداست که مذاکره‌ای در بین انگلیس و سایر دول برقرار بوده که روزنامه گزارشی از آن تهیه کرده است.

خبر سیاسی روزنامه

به تفصیلی که واضح و معلوم است مسئله غامض (کلماتی که ناخوانا می‌باشد) اهمیت همواره بین الدول مطرح مذاکره و سؤالات (کلمه‌ای ناخوانا) سپس هم خواهد بود.

این طور که از ادامه مقاله هویدا است مورد مذاکره در مورد کشور مصر است. و مقاله در ادامه می‌افزاید: چون این نقطه مصر فی ما بین بحر الروم و بحر هند واقع شده است که نسبت تجارتي به تمام بنادر این دو بحر دارد.

و گذشته از تصور این مطلب خود این مملکت نوعی واقع شده است که به تمام نقاط فرنگستان (منظور شمال آفریقا، دریای مدیترانه که به اروپا وصل می‌شود) نزدیک است از قاهره مصر به هر سمتی از بلاد فرنگستان بزودی می‌توان رفت تا وسط آفریقیه هم چندان بینویتی ندارد.

میزان اتفاق میانه دول یورپ و آسیا و آفریقا اینجاست. این نقطه معتنابه از قدیم الایام محل و موضع تجارت و معاملات بوده و تا به حال هم به همان پایه و مایه باقی است. و گذشته از رسم تجارت از جهت مراتب علمیه هم پیوسته شهرتی به کمال داشته چنان که یونانیان از اینجا کسب علم و هنر نموده معروفیتی که در علم برای ایشان حاصل شد از فیض این جا بوده است.

یکی از قدمای مورخین اهالی یورپ که بنام (جوسیفین) معروف است در کتاب خود می نویسد که مقدار نفوس حالیه مصر هفت میلیون است و این خود دلیلی واضح است که این نقطه از زمان قدیم مطلوب اهل عالم بوده و هیچ وقت سلب مهموریت از این نقطه نگریده است.

و این معنی نزد غالب از مورخین ثابت است که قاهره مصر قدیمی تر مملکتی از ممالک روی زمین است».

البته این موضوع ثابت شده است که تمدن مصر یکی از قدیمی ترین تمدنهای اولیه بشر است و یکی از عجایب هفتگانه دنیا در مصر است که همانا وجود اهرام ثلاثه مصر که خود گویای تمدنی پیشرفته است و در علوم دیگر مانند ریاضیات هم زبانزد اقوام دیگر در آن دوران بوده اند.

مقاله در ادامه می افزاید:

«و در سالف زمان چندی به تصرف ایرانیان و زمانی به دست یونانیان و مدتی به جنگ اعراب بوده و با اختلاف و انقلاب قرون در این مملکت حکومت نموده اند. و حالیه متعلق به ممالک محروسه عثمانی است در هر قرن از قرون یکی از دول متمدنه به نسبت تسلط بر این مملکت غلبه جسته و در قبضه تصرف و اقتدار خود در آورده است.

به هر حال این نقطه در این روزها تماشگاه غریبی واقع شده است میزان قوت دول آسیا و یورپ را به حرکت در آورده چشم تمام دول بر انقلابات این نقطه باز است.

اگر چه دولت انگلیس را بندر عدن و (پیریم) در سمت بحر الحمر و جزیره (مالتا) و (سای پرسن) در ساحل بحرالروم برای نگاه داری مملکت کفایت می کند. ولیکن باز هم نمی تواند این نقطه را با آن جوهاتی که معلوم است از دست بدهید. به هر جهت گفتگوی این مقدمه در این روزها به طول خواهد انجامید تا در ثانی چه ظاهر شود. پایان مقاله.

در بخش تلگرام‌ها خبری از کشتی که غرق شده و تلگرام دیگر که کمک به قحطی زدگان مملکت روس است و آخرین خبر در صفحه اول شیوع وبا در افغانستان می‌باشد:

تلگرام اول:

۱۲ جمادی الاخری از هنگانک، جهاز آتش تجارتي انکر پزی مُسمی به (نامُچُو) در حوالی بندر هنگانک به حادثه عرق مبتلا شده از چهارصد و چهارده نفر مسافر و ملاح انگلیسی اثری پیدا نیست.

۱۳ جمادی الاخری — ماه مسطوره از لندن. در این جا یک مجلس اعانه برای قحطی زندگان مملکت روس به عضویت (دیوک آف وست) و (لورد ابردر) و (لود کالرج) و غیره منعقد شده است.

۱۶ جمادی الاخری — ماه مسطوره از آله آباد — حادثه وبا در کابل شیوع پیدا کرده است حضرت امیر افغانستان عزم مراجعت به مقر جلالت فرموده اند.

در صفحه دوم روزنامه اخباری از بمبئی در ستون اول روزنامه درج شده و در ستون دوم اخباری از دارالخلافه طهران و در ستون سوم خبری از اسلامبول است. در صفحه سوم روزنامه اخباری در مورد انتصاب می‌باشد در ادامه اخبار انتصاب در ستون اول و دوم و سوم اخباری از کشورهای مختلف سودان، روس، انگلستان، امریکا و اطیش که اخبار کسب شده همه تلگرافاتی است که به روزنامه شده است خبر تلگراف اول مربوط به کشور روس می‌باشد که نقل قولی از یک روزنامه انگلیسی به نام انگلیش میل می‌باشد.

سیاحت امپراطریس روس

روزنامه انگلیش میل منطبعه لندن می‌نویسد:

که این روزها در مجالس بزرگ شهر پاریس تماماً حکایت ورود علیاحضرت امپراطریس روس به آن جا گفتگو می‌شود و به مناسبت اهمیت مطلب همه سرگرم این گفتگو هستند. چه از قرار معلوم علیاحضرت مشارالیه‌ها تصور دارد که در ماه رجب برای سیاحت شهر پاریس عزیمت فرماید.

صاحب اخبار می‌گوید. اگر تصور این سیاحت از قوه به فعل آمد دور نیست که علیاحضرت امپراطریس برای ملاقات همشیره محترمه خود زوجه ولیعهد انگلستان به شهر لندن نیز آمده باشند.

سودان

از قراری که در روزنامه دیده شد. در همین روزها ۳ نفر از حبسیان (خرطوم) فراری جسته به طرف مصر آمده اند از قرار معلوم بعد از شکست لشکر (هیگس پاشا) از مقابله با متمدی سودانی در سنه ۱۸۸۳ میلادی که نه سال قبل باشد این بیچاره‌ها تا به حال در حبس خرطوم بوده اند و با این‌ها یک نفر کنیزک و سه نفر شتربان هستند. اینها می‌گویند که اخبار خارجه بالمره به اهل خرطوم نمی‌رسد و وضع شهر خرطوم به نوعی است که نه خود اهالی را از مطالب خارجه اطلاعی باشد و نه خارجه را از مطلب و مقصود ایشان و نیز گفته اند که ما از واقعه شکست عربی پاشا و جنگ عثمان دغمه با انگریزها حالا آگاهی یافتیم و مادامی که در خرطوم بودیم بالمره اطلاعی از خارجه نداشتیم. و اما اشخاصی که در شهر خرطوم محبوسند برای ایشان حبس‌خانه مخصوصی معین نیست خود شهر خرطوم حبس‌خانه بزرگی است چرا که احدی را امکان فرار از آن جا نیست. برای این که مسافت میانه خرطوم و مصر بسیار است و آن هم تماماً رپگستانی است که ممکن نیست خط راه را پیدا کرده و خود را از آن جا بیرون بیاورد.

و در ادامه ستون دوم روزنامه خبری از انگلستان می‌باشد که دکتری داروئی جدید برای رفع بیماری آنفلونزا و تب کشف کرده است.

علاج آنفلونزا

از قرار روزنامه لندن (مستر کریرار) نامی از دوکتران آن جا چندی قبل در مجلس اطباء اظهار کرده است که علاج عارضه آنفلونزا دوایی بسیار معروف ساده‌ای است موسوم به (مای کاربونت اف پوتاش) که این عارضه صعب را به کمال سهولت بالمره قلع و قمع می‌کند.

طیب مذکور می‌گوید. که هر گاه شخصی ببیند که آثار عارضه آنفلونزا در مزاج او پیدا شده است علی الفور بدون تمهید مقدمه به قدر (ده نخود) دوای مذکور در یک

بیاله شیر آمیخته بنوشد و سه ساعت به سه ساعت یک خوراک از این دوا بخورد. که لابداً در صرف خوراک دوم یا سوم بالمره دفع این عارضه با حسن الوجوه خواهد شد. و در ادامه همین ستون خبری است مربوط به قحطی و گرسنگی که در کشور روس شیوع پیدا کرده است، در حال کمک به آنان هستند.

قحطی در مملکت روس

روزنامه تمس لندن از قرار خطی که مخبر مخصوص او از علیّه اسلامبول نوشته می‌نویسد. که در این اوقات به علت وقوع قحطی شدیدی که در ممالک روس اتفاق افتاده است فقرا و زراعت پیشگان آن جا را به غایت پریشان حال و مستأصل ساخته. امنای دولت روس بخصوص سه نفر از بنی اعمام امپراطوری در اعانت آن قحطی زدگان بذل توجهات موفور نموده اند ولیکن نوآب ولیعهد روس به تنهایی مبلغ پنجاه هزار روبل کاغذی عنایت کرده و آن سه نفر شاهزادگان عظام که گراندوکس (جارج) و (الکساندر) و (میرج میچیلویچ) باشد یکصد و بیست هزار روبل مدد نموده اند و (پلوتسف) خانم نیز پنجاه هزار (بود) آرد داده است. اما خبری از عشق و عاشقی که زمان و مکان برای آن متصور نیست و دارا و ندار نشناسد و دامن همه کس گیرد.

از عشق بیندیش که عشق آفت جانست

در شهر پرستن در انگلستان شخصی موسوم به (جان جوسف) به دختر آقای خود که صفیه کمال و دفینه جمال بوده عاشق شده است. اندک اندک مادر دختر خبر شده و او را از خانه به در می‌کند. از قضا عاشق مذکور نزدیک سرای مذبور در خانه دیگر نوکر شده و ضمناً یک طپانچه اتباع و انتهاض فرصت می‌داشت تا آن که روزی دختر را تنها یافته و به عجز عرض می‌کند که هزار بارم بخشم گفتم: که بُرمت سر نگفتمت نی هزار بارت به عجز گفتم: که بوسمت پا نگفتمت آری، اکنون باید مرا به خدمتگزاری بگماری یا با این طپانچه ام مقتول سازی. لیلی بیچاره که نظر به آن مجنون آواره و طپانچه می‌کند خاطر مجموعش پریشان شده عزم فرار می‌نماید آن مرد که حال بدین منوال می‌بیند بی رحمانه فوراً طپانچه را بر دختر خالی کرده و دختر را به قتل رسانیده و از آن جا فراری شده چند روزی در شهر مانچستر و

لیورپول متواری بوده تا آخرالامر پولیس او را گرفتار نموده و او بلا اہمال و انکار اقرار می کند معلوم است او ہم بداهة قتل دچار شده است. ظاہراً از قدیم ایام مشہور بوده است کہ آدمیان خود را برتر از دیگران بدانند و کارہای عجیب انجام داده و نشان بدهند کہ دیگران توانایی انجام دادن آنرا ندارند. خبر از آمریکا می باشد.

سیگارکش مشہور

شخص موسوم بہ (سمسیوال کلسکی) از اہل آمریکا در سیگار کشیدن مشہور و معروف است از قراری کہ در روزنامہ ہا دیدہ شد این روزہا مترصد این است کہ حریفی در این باب پیدا کند از او زیادہ عادی باشد. از قرار معلوم مومی الیہ در ہر ساعتی سی و دودانہ سیگار می کشد. اما خبر تلگرافی دیگر کہ از ساختن قطاری برقی کہ در ان دوران شروع بہ ساخت آن کردہ اند صحبت بہ میان می آورد. در آن دوران تمام کشتی ہا و قطارہا ہمہ از سوخت زغال سنگ استفادہ می کردند و ظاہراً برای اولین بار است کہ بین دو شہر قطاری الکتریکی (برقی) بہ این مسافت کشیدہ می شود.

کالسکہ الکتریکی

از قرار معلوم تصور چنان دارند کہ از پای تحت (وین) تا شہر (بوداپست) کہ بہ مقصد یکصد و پنجاہ میل مسافت دارد و ہر دو از شہرہای بزرگ استریاست یک کالسکہ الکتریکی درست کردہ و راہ انداختہ باشند و این الکتریک همان اجزای تلگرافی است کہ بالمرہ محتاج آتش و دود نیست در بندر لندن کہ مدتی است جہازات کوچک را با ہمین آلات الکتریکی ساختہ اند و کار می کند این ہا ہمہ از قوہ علم است و آخرالامر ہمین قوہ بجایی می رسد کہ وجود آتشی در مواضع مخصوصہ باطل و مہمل می نماید.

و ما انشاء اللہ شرح ہمین الکتریک و کیفیت وجود و ہستی آن را در ضمن حکمت جدیدہ مفصلاً بیان خواهیم کرد.

* اما خبری کہ در تلگراف رسیدہ در روزنامہ مشاہدہ می شود در مورد یہودیان روسیہ می باشد کہ تاریخی بس طولانی ہمراہ با آوارگی و در بہ دری برای یہودیان

دارد که نسبت به آنان در آن دوران اعمال می‌شد. که ترک وطن و دادن مالیاتهای سنگین و محرومیت اجتماعی دیگر اعمالی بودند که دولت روسیه نسبت به یهودیان در آن دوران ۱۸۶۱ میلادی به بعد روا می‌داشتند.

«از اوایل سده هفدهم میلادی آزار و شکنجه یهودیان از منطقه غرب اروپا به شرق آن منتقل شد و یهودیان روسیه تزاری دچار مشکلات زیادی شدند در سال ۱۶۴۸ میلادی موجی از کشتار بر ضد یهودیان روسیه ایجاد شد و در سال ۱۶۶۹ نیز در منطقه قفقاز کشتار دیگری نسبت به آنان صورت پذیرفت.

اما مسئله یهودیان به این سادگی نبود که روسیه بتواند به آسانی با این کشتارها و محرومیت دادن آنها مسئله را حل کند چون که آنان در مسائل اقتصادی کارآزموده و با تجربه بودند و قدرت این را داشتند که کشور را تا مرز اعتصاب و فلج و ... بکشانند.

در سال ۱۸۸۱ قوانین و مقررات سخت تری نسبت به آنان اجرا شد.

«خلاصه پاره‌ای از مقررات مزبور به شرح زیر است:

۱- هیچ یهودی، در آغاز حق توطن در هیچ منطقه روستایی را ندارد (در همین رابطه مقامات روسی هزاران شهر کوچک را در زمره مناطق روستایی اعلام کردند تا یهودیان حق ورود و اسکان به آن جا را نداشته باشند).

۲- روستاییان هر زمان که بخواهند می‌توانند یهودیان را از روستای خود بیرون کنند.

۳- چنان چه یک یهودی روستای خود را، حتی برای چند روزی ترک کند، حق بازگشت بدان جا را نخواهد داشت.

۴- تجدید عقد اجاره با یهودیان ممنوع است و آنان پس از سر رسیدن مدت اجاره، مکلفند محل را ترک کنند.

۵- هیچ یهودی حق آوردن مادر بیوه خود را از روستای دیگر، به نزد خویش ندارد. و مجاز به ادامه شغل پدر خود در روستای دیگر نیست. هم چنین او حق مراجعه به درمانگاه روستای دیگر را ندارد.

این قوانین، محدودیت‌های فراوانی را برای ادامه تحصیل فرزندان یهود در مدارس راهنمایی، متوسطه و دانشگاه‌ها ایجاد کرد، به گونه‌ای که هزاران دختر و پسر یهودی برای ادامه تحصیل، به ناچار کشور روسیه را ترک کردند.»

با اجرای این قوانین و این محدودیت‌ها بود که آنان مجبور به مهاجرت از کشور روسیه شدند، که با حمایت انگلیس انجمنی در لندن تشکیل شد که کمک‌های

فراوانی به آنان می‌شد که خرج سفر خود را از طریق اعانه‌های دولت انگلستان که به آنان شد. کشور روسیه را ترک و به اروپا و امریکا منتقل می‌شدند. اما خبر تلگرافی هم به همین عنوان است:

یهودیان ممالک روسیه

دولت قوی شوکت روس ده سال قبل از این به یهودیان تبعه خود اظهار بی میلی نمود بلکه آن‌ها را امر به جلاء وطن فرمود. در آن زمان بسیاری از طایفه مذکوره که از فرط فلاکت یا تنگدستی قدرت حرکت با عیال نداشتند سخت حیران آمدند. دولت و ملت انگریز که گویا خداوند محض حمایت مظلومان و اعانت بیچارگان آفریده است به جهت نجات این بیچارگان در پای تخت عالی بخت انگلستان مجلس منعقد و یک لک و هشت هزار (پوند) که سه لک و هفتاد و هشت هزار تومان پول حالایی ایران است جمع گردید که صرف سفر بسیاری از آنها شد و لاکن اکنون از جانب دولت روسیه در حق بقیه یهودیان احکامات جدیدی به اعلا درجه سختی صادر گردیده است. اولاً آن‌ها را از شهری و جاهایی که ممر گذران آن‌ها بود اخراج نموده و (ناخوانا) معاش بازداشتند حتی کسانی را که بعد از تحصیل و تحمل زحمات چندین ساله تصدیق نامه و اجازت طبابت و یا وکالت دعاوی یافته بودند هم از شغل شاغل ممنوع شدند، دیگر مدرسان مدارس و ملازمان اداره راه آهن و اشخاصی که در اداره حکومت خدمت می‌کردند هم از این نعمت قسمت یافتند و این بیچارگان آواره جملگی در یک جا جمع شده جز فرار راه نجات ندارند و همه روزه باز دحام تمام ترک اوطان و خاک روسیه می‌کنند و فقط در ذی قعدة و محرم گذشته بیست و سه هزار نفر از شهر برلین گذشته اند و روز به روز بر جمعیت مهاجرین افزوده می‌گردد در شهر لندن مجدداً محض نجات آن‌ها مجلس منعقد و مبلغ هنگفت جمع گردید.

یهودیان متمول بمبئی نیز روز ۲۹ ربیع الاخر در معبد خود انجمن شده و به تقلید مجلس لندن اقدام نمودند.

اما خبر تلگرافی دیگر که در همین صفحه ۴ در ستون دوم می‌باشد بی ربط با خبر قبلی نمی‌باشد شخصی از اهالی یمن سعی در بیرون راندن یهودیان از موطن خود را دارد و با جمع آوری افراد غوغا طلب شهر صنعا شروع به جنگ با آنان می‌کند.

ظاهراً این شخص (صالح الدین) در یمن با شنیدن این خبر که یهودیان را از کشورهای خود مجبور به مهاجرت می‌کنند خواسته است که از این رهگذر چیزی به دست آورده و با این بهانه که آنان را مسلمان کند که اگر نشدند اموال آنان را تاراج کنند. ولی با حمله لشکر عثمانی این غائله سرکوب و شخص نامبرده را مجبور به فرار می‌کنند. و چون خبر تلگرافی با خبر تلگراف قبلی در یک حدود زمانی معین می‌باشد می‌توان تصور نمود که این شخص با علم به این موضوع (مهاجرت یهودیان) دست به اغتشاش و جنگ افروزی با یهودیان یمن را راه انداخته باشد.

اغتشاش ملا صالح الدین در یمن

روزنامه انگلیش میل منطبعه لندن می‌نویسد:

که قائم مقام (ضابط) مجال ناری که از محالات شهر صنعای یمن است به یکی از رفقای خود در (وین) بدین مضمون خطی نوشته است.

شخص موسوم به ملا صالح الدین از اهالی ساده این روزها بدین خیال افتاده بود که یهودیان متوطنین شهر یمن که البته تقریباً شصت هزار نفرند مُسلم کند و اگر نه مال و اموال آن‌ها را تاراج کرده بالمره از یمن خارج کند مومی الیه به همین خیال با جمع کثیری از مردم و تابعین غوغا طلب شهر صنعاً را محاصره کرده مدت محاصره ایشان البته سه ماه به طول انجامید در این ضمن آن‌هایی که در قلعه بودند از جهت خلاصی آذوقه سخت به جان آمده مستأصل و پریشان شدند قشون ظفرنمون عثمانی هم تا این وقت رسم جلادت و حمیت را از دست نداده در مقابله اینان بغایت مراقب و مواظب بودند.

یک نفر از یهودیان آن جا که در این وقت کاری به ضرورت برای او اتفاق افتاده بود با دو پسر بزرگ خود از شهر بیرون آمده می‌خواستند بجایی بروند لکن حملات اعراب که قلعه را محاصره کرده بودند به محض اطلاع از حال این‌ها فوری یهودی را با دو پسر به دست آورده پدر را کشتند و پسر او را دوباره به شهر صنعاً فرستادند که خبر مرگ پدر را باهل شهر برسانند آخر الذواء حزبی از لشگر منصوره سلطانی به سالاری جناب (احمد فیضی پاشا) به مدد محصورین رسیده و بر جماعت اعراب غالب گردیده بسیاری از ایشان را کشته و مابقی را پراکنده و پریشان نموده مانند بنات العنش هر کدام به جایی افتادند و سپس با فتح و فیروزی وارد شهر صنعاً شدند اهالی شهر به غایت مشعوف و مسرور شدند بالتخصیص جماعت یهود که ورود

قشون ظفرنمون را باعث نجات خود دیده فوق العاده متشکر گردیدند ملاصالح‌الدین که در حیث و بیث جنگ به سمتی فرار کرده می‌گویند در حوالی محلات همانجا دوباره اعاده مقصود را به جمع آوری لشکر مشغول است.»

در صفحه ۵ روزنامه اخباری از کانال سوئز است که به مدد نیروی برق که در شب‌ها کشتی‌ها نمی‌توانستند حرکت کنند حال می‌توانند به راحتی عبور و مرور کنند و بر تعداد کشتی‌های تجاری هم که در شب‌ها حرکت می‌کنند افزوده شده است.

قنال سویس

از آن گاهی که در قنال (نهر) سویس شب‌ها را چراغ الکتریک (برق) روشن می‌کنند بر اعداد جهازاتی که از آن طرف عبور و مرور دارند خیلی بیش از پیش افزوده است.

در سنه ۱۸۸۷ میلادی هفت سال پیش که بنای استعمال چراغ الکتریک در آن جا شد یکساله موازی سیصد و نود هفت جهاز آتشی از آن طرف عبور و مرور نموده اند و در سنه ۱۸۹۰ میلادی دو سال پیش یکساله اعداد آنها دوهزار هشتصد و سی شش جهاز رسیده است و در سنه ۱۸۹۱ سال گذشته اعدادشان به سه هزار و سیصد و هشتاد و نه جهاز رسیده که از آن میان دو هزار و پانصد و بیست و دو از جهازات دولتی و تجارتی انگلیس‌ها بوده است و ما باقی از سایر دول یورپ و علت افزایش جهازات را هم می‌نویسند از این است که سابقاً به واسطه عدم چراغ برق هیچ جهازی را در شب امکان عبور از قنال نبود و روزها هم به نوبه باید عبور و مرور کنند لهذا مدتی طول می‌کشید اگر چه حالیه هم به نوبت عبور و مرور می‌شود مگر شب را که در دست دارند و به واسطه چراغ‌های برق مانند روز روشن است چندان اسباب تعطیل دست نمی‌دهد.

سابق بر این‌ها یعنی قبل از استعمال چراغ برق برای عبور هر جهازی بیست و دو ساعت به طول می‌انجامید تا از قنال بگذرد.

ولیکن میزانی را که حالیه برای عبور هر جهازی گرفته اند چهار ده ساعت و نصف است هفت ساعت و نیم فرق عبور حاصل شده است.

اما خبری دیگری که درستون سوم است در مورد کشتی‌ای است که در سال‌های ۱۸۹۲ م در نوع خود بی نظیر و بزرگترین کشتی بخار تجارتی در کل اروپا و آسیا

بوده است و بیشتر از ۴ تن توانایی حمل بار را داشت. که به نام (فرانس) ساخت کشور فرانسه بود.

جهاز آتشی از همه بزرگتر

امروز در جهازات آتشی تمام دول آسیا و یورپ جهازی که از همه بزرگتر باشد جهازیست که در دو سال پیش دولت فرانس باتمام رسانیده و آن جهاز هم به نام دولت خود (فرانس) نامیده است.

و این جهاز بزرگ در بلده (پارتنک) در کارخانه (دی بلیو هندرسن) ساخته شده طول الجهاز مقدار (۳۶۱) فیت و عرض آن (۴۹) فیت و عمق آن (۲۶) فیت است که هر یک فیت عبارت از دوازده گره باشد.

و این جهاز حمّال شش هزار تن مال است که هر یک تن هشتاد من بمبئی و هر یک من بمبئی سه من و سه چهار یک به وزن تبریز است.

و اما جهازی که فی الجمله از جهاز مذکوره کوچکتر است جهازیست که دولت انگلیس دارد و آن جهاز در بلده (کلایند) انگلند در کارخانه (رسل اندکمپنی) ساخته شده است. طولش (۳۳۳) فیت و عرضش (۴۸) فیت و عمقش (۲۸) فیت است.

خبری هم در همین ستون درباره کشتی بادبانی است که آن هم در نوع خود بی نظیر بوده و متعلق به آمریکا بود.

جهاز شرعی

امروز در تمام دنیا یک جهاز شرعی هست که از آن بزرگتر جهازی در جهازات شرعی یافت نمی‌شود و آن هم خاصه دولت امریکاست و حمّال پنج هزار تن مال است اسم آن جهاز (شیناندواه) است.

در صفحه ۶ روزنامه این صفحه مختص به (حکمت جدیده) است که بحث در مورد علوم می‌کند. و در مقاله یکی در مورد بخار آب و دیگری مربوط به تشکیل شدن باران و علت‌های آن توضیح می‌دهید.

شعبه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فصل فی السحاب^۱

بدان که سحاب از بخاری که از اجسام مایعه است مرتفع می‌شود و بخار نقاط صغاریست که به حرارت از اجسام به حصول می‌آید به هوا سوار می‌شود ولی چون به هوای سرد تلاقی کند شکل حاضرش مبدل شده ابر می‌شود بخار مذکور در شکل ابر چون زیاده بمانیت میل کرد ثقلت پیدا کرده باران می‌شود بارض نزول می‌کند بعد از این در فصل باران هر چند کیفیت وجود ابر می‌آید ولی در اینجا بعضی معلومات مختصره را ذکر می‌کنیم بدین وجه ابری که بر روی زمین نازل می‌شود او را حکما ضباب تسمیه می‌دارند ابر در وقتی که در بالا باشد به عربی سحاب و چون بر زمین نزول کرد او را ضباب می‌گویند مثلاً ابری که بر بالای کوه نزول کند او را نسبت به بالای کوه ضباب و نسبت به پایان کوه سحاب تسمیه می‌کند یعنی سحاب و ضباب متحد بالذات و مختلف بالاعتبار است و بخاری که از آن‌ها روی دریا مرتفع می‌شود چون به هوای بارد تلاقی سازد به شکل مایع‌یست می‌رود آن وقت در روی دریا و نهرها به شکل ضباب مشاهده می‌شود اگر حرارت هوا معادل و یا زیاده از حرارت نهر و دریا باشد آنوقت ضباب مشاهده نمی‌شود و اگر حرارت هوا کمتر از حرارت دریا و نهر باشد آنوقت ضباب مشاهده می‌شود در وقت تابستان چون حرارت نفس حیوان از حرارت هوا کمتر است نفس به شکل دخان مشاهده نمی‌شود و چون در زمستان بروودت هوا از حرارت نفس زیادتر است نفس چون از دورن حیوان خارج می‌شود به شکل دخان مشاهده می‌شود انحطاط و ارتفاع ابر نسبت به حرارت و بروودت دارد از آن جهت اکثر روزها حرارت مرتفع می‌شود ابر را بالا می‌برد و بعضی شبها حرارت کم می‌شود ابر را به پایان می‌آورد (کمیتی) نام حکیم کشف کرده است که شب و صباح ابر بر فوق کوه نزول می‌کند و در روز از کوه بالا می‌رود در امکانه که از خط استوا دور است و نزدیک به بحر محیط است بسیار ضباب مشاهده می‌شود بنابراین در بعضی اوقات (شهر لندن) (ولبورپول) (و پرستول) در روز هوا سیاه مثل شب می‌شود در فصل زمستان در کوچ‌های شهرهای مذکوره قنادیل غاز را اشتعال می‌سازند از بس که ضباب در آنجا بسیار است اجسامی که از هوا خفیف ترند از هوا بالا می‌روند تا به طبقه هوایی می‌رسند که آن هوا از آن اجسام خفیف تر است لهذا ارتفاع ابر را یک درجه معینی داده اند که از آن حد تجاوزی

نمی‌کند و ارتفاع ابر از یک ساعت کمتر است زیرا به تجربه رسیده است که صدای ابر در هر ثانیه سیصد و سی متر و قطع می‌کند از آن ابر و دیدن برق تا شنیدن صدای رعد به بیند چند ثانیه مرور کرده است به سیصد و سی و هفت متر و ضرب کنید حاصل ضرب دوری آن ابر است از سطح زمین و اگر ثانیه موجود نباشد نبض را تقریباً در جای ثانیه استعمال می‌توان کرد مثلاً بعد از ظهور برق پنج ثانیه صدای رعد را شنیدی باید آن پنج ثانیه را به سیصد و سی و هفت ضرب کنی حاصل ضرب هزار و ششصد و هشتاد و پنج مترو می‌شود که دوری زمین از ابر است بدین قاعده اثبات شده است ابری که با رعد باشد نیم ساعت از زمین دور است و ابری که با رعد نباشد سه چارک ساعت از زمین دور است چون ثقل ابرها مختلف است ارتفاع و انحطاط ایشان نسبت به ثقل و خفت ایشان است.

صفحات ۷ و ۸ روزنامه صفحاتی هستند که جالب می‌باشند. صفحه‌ای مربوط به قیمت مال التجاره در کشورهای تحت حمایت ایران و هندوستان در بمبئی و دیگر شهرهای هندوستان است.

در صفحه ۷ روزنامه «کوکب ناصری» قیمت انواع خشکبار، چای برنج ایرانی و هندی و پنبه و و اختلاف اوزان ایران و هند را در ستون‌های اخباری شرح و توضیح می‌دهد. در همین صفحه نیز حرکت کشتی‌ها از بندرهای مختلف هندوستان و نام کشتی و تاریخ حرکت آن‌ها را روزنامه در صفحه ۷ می‌توان مشاهده کرد. و در ستون آخر صفحه ۷ روزنامه قیمت اجناس کلی را در بازارهای مختلف دیگر کشورهای آمریکایی و اروپایی را در بازارهای مختلف هندوستان را در همین ستون می‌توان دید.

صفحه دیگری که در روزنامه‌های دیگر نمی‌توان مشاهده کرد یا لاقط کمتر می‌توان دید صفحه مربوط به علاج نمودن انواع دردها و بیماری‌ها با داروهای گیاهی می‌باشد علاج نمودن انواع دردها و بیماری‌ها با داروی گیاهی در هندوستان سابقه‌ای بسی طولانی دارد. و می‌توان به جرئت گفت که هندوستان یکی از پیشروان طب گیاهی می‌باشد.

به همین خاطر است که هرکسی که به هندوستان سفر می‌کند، ره آورد سفر از آن دیار آوردن مقداری داروی گیاهی است.

انواع داروهای گیاهی که به وفور در هندوستان برای انواع بیماری‌ها یافت می‌شود. در شماره ۴ روزنامه «کوکب ناصری» در صفحه آخر (۸) کاربرد چند نوع دارو را برای بیماری‌های مختلف را شرح می‌دهد.

اگر کسی در خواب با کسی در خواب...

عالم اول

در خواب با کسی در خواب... اگر کسی در خواب با کسی در خواب... اگر کسی در خواب با کسی در خواب...

اگر کسی در خواب با کسی در خواب... اگر کسی در خواب با کسی در خواب... اگر کسی در خواب با کسی در خواب...

اگر کسی در خواب با کسی در خواب... اگر کسی در خواب با کسی در خواب... اگر کسی در خواب با کسی در خواب...

وای که می بیند آنجا که...

سال اول

وای که می بیند آنجا که...

وای که می بیند آنجا که... (Main column of text on the left side)

وای که می بیند آنجا که... (Middle section of text on the left side)

وای که می بیند آنجا که... (Bottom section of text on the left side)

وای که می بیند آنجا که... (Main column of text in the center)

وای که می بیند آنجا که... (Middle section of text in the center)

وای که می بیند آنجا که... (Bottom section of text in the center)

وای که می بیند آنجا که... (Main column of text on the right side)

وای که می بیند آنجا که... (Middle section of text on the right side)

وای که می بیند آنجا که... (Bottom section of text on the right side)

درست است که هر که در این راه...

درست است که هر که در این راه...

درست است که هر که در این راه...

درست است که هر که در این راه...

درست است که هر که در این راه...

درست است که هر که در این راه...

درست است که هر که در این راه...

درست است که هر که در این راه...

درست است که هر که در این راه...

درست است که هر که در این راه...

درست است که هر که در این راه...

درست است که هر که در این راه...

کتاب الفقهی فی شرح الفقهی

مقاله

در بیان این که...

در بیان این که...

در بیان این که...

در بیان این که...

در بیان این که...

در بیان این که...

در بیان این که...

در بیان این که...

در بیان این که...

